

اسلام در جمهوری آذربایجان

با مقدمه

دکتر علی اکبر ولایتی

عبدالرضا راشد



سرشناسه : راشد، عبدالرضا، ۱۳۴۹-
عنوان و نام پدیدآور : اسلام در جمهوری آذربایجان/
تألیف عبدالرضا راشد؛ با مقدمه علی
اکبر ولایتی
مشخصات نشر : تهران: سفیراردهال، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری : ۲۸۸ص: ۱۴/۲۱×۵/۵ س.م.
فروست : مطالعات تاریخ و فرهنگ قفقاز؛ ۱
سفیراردهال: ۵۲۰.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۳-۴۶۷-۱-۶
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع : اسلام - آذربایجان
موضوع : مسلمانان - آذربایجان
شناسه افزوده : ولایتی، علی اکبر، ۱۳۲۴-، مقدمه
نویس
رده بندی کنگره : ۱۳۹۵ ۵ الف ۱۴/۶ BP
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۱۶۴۷
شماره - شابشناسی ملی : ۴۳۷۰۶۰۳



اسلام در جمهوری آذربایجان

با مقدمه علی اکبر ولایتی

تألیف: عبدالرضا راشد

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

صفحه آرایی و طراح جلد: واحد آماده سازی سفیراردهال

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: سفیراردهال

شمارگان: ۵۵۰ نسخه ♦ شماره نشر: ۱-۱۲۰

بها: ۱۸۰۰۰۰ ریال

© حق چاپ: ۱۳۹۶، انتشارات سفیراردهال www.safirardehal.ir

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۳-۴۶۷-۱-۶

نشانی دفتر: تهران، خیابان مفتح، خیابان سمیه، روبه روی بانک ملی ایران، ساختمان ۱۱۸، واحد ۴
تلفن مرکز پخش: ۸۸۳۱۲۸۹۸-۸۸۳۱۹۳۴۲ کد پستی: ۱۵۸۱۸-۷۴۷۱۵ email: safirardehal@yahoo.c

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست مطالب

۹	یادداشت دبیر مجموعه
۱۱	مقدمه دکتر علی اکبر ولایتی
۱۷	پیشگفتار
۲۱	فصل اول: گذر بر تاریخ و جغرافیای قفقاز
۲۳	گذری بر تاریخ و جغرافیای قفقاز
۳۱	فصل دوم: دین در دوران روسیه (۱۸۲۷-۱۹۱۷)
۳۳	اسلام در روابط دین و دولت روسیه
۴۳	تعیین وظایف شیخ الاسلام و مفتی
۴۵	سیاست نظارت حکومت تزاری روسیه بر دین
۵۸	عامل دین در مبارزه با استعمار
۶۰	تأسیس ادارات روحانیت: روابط مجتهد - شیخ الاسلام
۶۴	تأسیس ادارات روحانیت سنی و شیعه قفقاز جنوبی
۶۹	دین در سیستم معارف
۷۴	دین در دوران بیداری می (اواخر قرن ۱۹ - اوایل قرن ۲۰)
۸۱	نقش دین در روند ایجاد و توسعه مطبوعات ملی
۸۳	عامل دین در عرصه های سیاسی - اجتماعی: «ایدئولوژی اتحاد اسلامی»

۹۳	فصل سوم: دین در سالهای جمهوری ملی (۱۹۱۸-۱۹۲۰).....
۱۰۳	نقش دین در عرصه‌های سیاسی.....
۱۰۵	دین در ارتش ملی.....
۱۰۹	فصل چهارم: دین در دوران حاکمیت شوروی (۱۹۹۱-۱۹۲۰).....
۱۱۱	سیاست دولتی در قبال اسلام در بین سالهای (۱۹۹۱-۱۹۲۰).....
۱۱۱	دین در شرایط تجاوز روسیه بلشویکی.....
۱۲۱	ادار روحانیت مسلمانان قفقاز جنوبی.....
۱۲۴	جمعیت‌های دینی.....
۱۲۵	مساجد.....
۱۲۸	نظام تحصیلی شوروی و دین.....
۱۳۰	نقش دین در حیات اجتماع.....
۱۳۷	فصل پنجم: جمهوری آذربایجان.....
۱۳۹	بخش اول - اطلاعات عمومی.....
۱۳۹	موقعیت جغرافیایی.....
۱۴۰	تاریخچه.....
۱۴۱	جمعیت، خط و زبان و شهرهای مهم آذربایجان.....
۱۴۱	۱. جمعیت.....
۱۴۱	۲. شهرهای مهم.....
۱۴۲	۳. خط و زبان.....
۱۴۳	وضعیت فرهنگی - اجتماعی.....
۱۴۳	۱. مذهب.....
۱۴۴	۲. نظام آموزشی.....

۱۴۵.....	۳. مطبوعات.....
۱۴۷.....	۴. رادیو و تلویزیون.....
۱۴۸.....	ساختار حاکمیت سیاسی.....
۱۴۸.....	۱. حکومت.....
۱۴۹.....	- ۲. احزاب.....
۱۵۰.....	۳. روند تاریخی و سیاسی جمهوری آذربایجان.....
۱۵۰.....	بخش دوم - ادیان موجود در آذربایجان.....
۱۵۰.....	الف) دین اسلام در مناطق مسلمان‌نشین در دوره اتحاد جماهیر شوروی.....
۱۵۲.....	دین در آذربایجان.....
۱۵۵.....	روند اریخی ورود گسترش اسلام در آذربایجان.....
۱۵۹.....	فصل ششم: دین در دوره ۱۹۹۱-۲۰۰۵ (رنی).....
۱۶۲.....	دین در ساختار سیاسی جمهوری آذربایجان.....
۱۶۳.....	قانونگذاری و دین (تعامل دین و دولت).....
۱۶۴.....	قانون جمهوری آذربایجان در خصوص آزادی اعتقادات مذهبی.....
۱۶۵.....	فرمان رئیس‌جمهوری آذربایجان در خصوص تأسیس کمیته دولتی در امور دینی جمهوری آذربایجان.....
۱۶۶.....	آیین‌نامه (اساسنامه) کمیته دولتی در امور دینی جمهوری آذربایجان.....
۱۶۷.....	وظایف اصلی کمیته.....
۱۶۸.....	فعالیت‌های اصلی کمیته.....
۱۷۰.....	اختیارات کمیته.....
۱۷۷.....	دین و ساختارهای اجتماعی.....
۱۷۷.....	دین و خانواده.....
۱۸۴.....	دین و لایه‌های اجتماعی.....

۱۸۷	دین و نهادهای غیردولتی
۱۸۸	دین و مساجد
۱۹۱	دین و آموزه‌های اجتماعی
۱۹۶	دین و ادبیات مکتوب جامعه
۲۰۰	دین و مبلغان اجتماعی
۲۰۷	دین و رسانه‌های جمعی
۲۱۰	دین و ایمنی اجتماعی
۲۱۹	سنت‌های دینی در مجالس عروسی و ترحیم
۲۱۹	مجالس عروسی
۲۲۲	مجالس ترحیم
۲۲۲	دین و ساختار نظامی (ادب و مله)
۲۲۴	برخی مشکلات موجود از نگاه مدیران
۲۳۵	ضمائم
۲۶۹	کتابنامه
۲۸۳	نمایه

قفقاز جنوبی که در منابع تاریخی آلبانیا، آران و آران نامیده شده است از جمله مناطق مهم در منظومه ایران فرهنگی است که خاستگاه و محل پرورش تعداد زیادی شاعر و نویسنده و عالم فرهیخته بوده است. این منطقه در سادر تاریخی دوره قاجاریه «هفده شهر قفقازی ایران» نامیده شد است که در پی شکست و تحمیل قراردادهای گلستان و ترکمانچای سرنوشتی دیگر و دردناک یافت؛ این سرنوشت چنان گران بود کسی را یارای آن نبرد تاب و شرح آن پردازد. این مناطق در طول تاریخ مشترکات مذهبی، تاریخی و فرهنگی ناگسستنی با فرهنگ و هویت ایرانی داشته و تا کنون نیز ادامه یافته است. علی‌رغم این مشترکات، عواملی چون ضعف و ناآرامی نظام سیاسی قاجاریه، توسعه روزافزون مداخلات بیگانه در ارکان حاکم ایران و پیدایش اتحاد جماهیر شوروی با مرام کمونیستی موجب شد توجه به تحولات منطقه قفقاز معطوف نشود یا به عبارت بهتر فراموش شود. در مقطعی هم که مساواتی‌ها در بخشی از قفقاز جنوبی دولتی هم‌نام با آذربایجان ایران تأسیس کردند، عکس‌العمل‌هایی از سوی ملیون آذری همچون شیخ محمد خیابانی و وطن‌پرستانی مانند میرزا کوچک خان جنگلی نشان داده شد، لیکن این توجه مقطعی تحت‌الشعاع تحولات سیاسی در ایران

گردید. در شرایط کنونی با وجود مشترکات مذهبی، فرهنگی و تاریخی و همچنین تحولات سیاسی مذهبی خطرناک و مشکوک در منطقه از جمله پیدایش گروه‌های تروریستی همچون داعش و یا گروه نورچی‌ها ضروری است بسترهای لازم شناخت علمی و مستند مسائل مختلف جمهوری آذربایجان، که تا قبل از قرارداد ترکمانچای بخشی از ایران و با مردم ایران تاریخ مشترکی دارد، فراهم شود که اثر پیش رو با عنوان «اسلام در جمهوری آذربایجان» تلاشی برای بسترسازی این شناخت علمی است.

این اثر تحقیقی با استفاده از منابع معتبر علمی و همچنین مشاهدات و تحقیقات میدانی فراهم آمده است. امید که انتشار آن بتواند کمکی هر چند مقدماتی به شناخت بهتر و بیشتر تحولات فرهنگی مذهبی یکی از کشورهای همجوار بنماید. «مؤسسه تاریخ و فرهنگ دیار کهن» ضمن قدردانی از مؤلفان ارجمند این اثر علمی از سرکار خانم منیره میانجیان و سرکار خانم فاتحی که تایپ و صفحه‌آرایی کتاب را به عهده داشت، همچنین جناب آقای نادر خبازی دولت‌آباد که ویراستاری متن را انجام داده و سرکار خانم آزمون که جلد کتاب را طراحی کرده است قدردانی می‌نماید.

رحیم نیکبخت

مؤسسه تاریخ و فرهنگ دیار کهن

مقدمه دکتر علی اکبر ولایتی

دین یکتا، فطرت است که خداوند در متن روح و وجود انسان قرار داده است. علم و علم برخی شرایط ضد دینی در تاریخ و مبارزه برخی حکومت‌ها، مکتب‌ها و جریان‌های جدید با آن، هرگز نتوانسته‌اند روح ارتباط انسان را با مبدأ هستی قطع نمایند.

حتی اگر گاهی برخی ادیان دچار تحریف گردیده و این امر موجب بروز مشکلاتی در جامعه بوده است، اصل دین‌گرایی، معناگرایی، معنویت‌گرایی در فطرت انسان باقی مانده است. تاسخ الهی و پوچ‌گرایی اگر زمانی موجی کاذب بود، خاصه در دوران غرب‌گرایی، غرب‌گرایی، تقلید از اروپاییان یا مکاتب اروپایی، در اندک دورانی محو گردید. سر سنت خدا در این است و هرگز در سنت خدا تغییری پیدا نمی‌شود. اگرچه باید از یاد ببریم که طبق کلام الله مجید خداوند وضع هیچ ملتی را عوض نمی‌کند تا خودشان تغییری در خود ایجاد نمایند. به تعبیر روشن‌تر اساس عالم بر تربیت انسان است و نقش انسان صالح در قامت مصلح می‌تواند تأثیرگذار باشد. اگر انسان اصلاح شود همه چیز عالم اصلاح می‌شود. انبیاء خدا برای این مبعوث شده‌اند که آدم تربیت کنند، انسان بسازند، بشر را از زشتی‌ها، پلیدی‌ها، فسادها و رذایل اخلاقی دور سازند و با فضایل و حسنات آشنا کنند و تکیه به کلام پیامبر اکرم

(ص) که فرمود: برانگیخته شده‌ام تا منش‌های نیک را کامل گردانم. توجه به خودشناسی، خودسازی، سیر و سلوک علمی و عملی در مسیر کمالات معنوی با تربیت و تهذیب نفس صورت می‌گیرد. خاصه در جوامعی که دوران طولانی تحت استعمار، استثمار، استبداد دشمنان دین و بشریت بودند، ضرورت بازشناسی اسلام، بازنگری در خود، بازآفرینی فطرت و کمالات انسانی و الهی را بیشتر باید لحاظ نمود، چون مقصد انبیاء ایجاد معرفت به خود و حق تعالی است و قرآن کریم دعوت به اصلاح می‌کند. همواره بحث «تقدم تزئین بر تعلیم سبب و حکمت»: مورد نظر و تأکید علما و اندیشمندان اسلامی بوده است. خاصه آن جوان که نور فطرت و صفای نفس در جوانی به دلیل عدم تعلقات روایی‌های بیشتر است و انعطاف روحی و حق‌پذیری برجسته‌تر می‌باشد.

جمهوری آذربایجان از دو «حصار» و «محدویت» و «خطر طولانی» رسته است: تجربه تلخ دوران روسیه تزاری با آن کارها، ضدیت با فرهنگ، تمدن، مبانی اسلامی، و حاکمیت الحاد و ماتریالیسم در دوران طولانی اتحاد جماهیر شوروی. اینک زمان آن رسیده است که از یک سو به «احیای حیات اسلامی» خود پرداخته و با فرهنگ، تمدن، ایدئولوژی اسلامی غنی‌تر آشنا و اندیشمندان و مشاهیر متأخر خود را بشناسد و از سوی دیگر پیوند وسیع و عمیق خود را با جهان اسلام و امت اسلامی گسترش و عمق بخشد و تجلی و تشیع را آن چنان که شایسته آن ملت است در اندیشه و عمل نشان دهد.

طلیحه این روند در طی دو دهه واپسین، علی‌رغم فرازونشیب‌ها خود را نشان داده، حضور اندیشمندان، عالمان، نویسندگان و محققان در این دوران نشانه‌ای از این حقیقت و واقعیت است.

آنچه مهم است ایجاد زمینه و آماده نمودن منابع، مآخذ و متون اسلامی و از سوی مراکز علمی و معنوی اسلامی است تا در پرتو آن بتوان زمینه رشد و تحول «فرهنگ اسلامی» و حضور وسیع صاحبان «قلم» در نشر معارف الهی را شاهد بود و این در روحیه نسل جوان، که خواهان شناخت و آگاهی بیشتر می‌باشد، مشاهده می‌شود. ترجمه آثار اندیشمندان اسلامی در طی این دوران در حد متعارفی صورت گرفته و می‌گیرد اما در کشاکش بحران فکری و سیاسی دوران، معاصر نیازمند حرکت وسیع‌تر، عمیق‌تر و جامع‌تر هستیم.

ورود اسلام به منطقه جمهوری آذربایجان که سابقاً با نامهای: آلبانیا، اران، قره‌باغ... مورم بود^۱ در اوایل قرن اول هجری صورت گرفت که در این زمان اسلام بخش آسیای میانه را نیز در بر گرفت.^۲ گسترش اسلام، تأسیس مراکز اسلامی، ارتباط و پیوند بنیق و گسترده با حوزه‌های علمیه نجف اشرف، خاصه وجود فقه، علمای حکماء، ادبای برجسته که هر کدام در شمار مشاهیر جهان اسلام به شمار می‌آمدند، مکتبتهایی برای فعالیت اسلامی در قفقاز و ماورای قفقاز به وجود آورده بود.

جنگ‌های روس تزاری علیه ایران و در نهایت تسلط روسان قفقاز آسیا از ایران نه تنها برای منطقه مضر بود بلکه زیانی به جهان اسلام و فرهنگ اسلامی وارد آورد. در دوران حاکمیت کمونیسم و سلطه اتحاد جماهیر شوروی در این منطقه، بخش عمده‌ای از آثار و میراث مکتوب تاریخی نابود و منابع علمی بر سر شناخت اسلام، اعتقاد به اسلام و تبلیغ اسلام بود آن چنان که جامعه را در خلاء و بی‌اطلاعی گذاشت که نزدیک به سه نسل در دوران شوروی در منطقه

^۱ - ری به: دائرة المعارف تشیع جلد ۱

^۲ - همان.

خاصه در جمهوری آذربایجان مشکل آفرین شد که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، زمینه بازگشت به «خوشتن»، «هویت خویش» و نهایت احیای اسلام و سنن اسلامی پدیدار گردید و در طی دو دهه‌ی واپسین، علی‌رغم مشکلات و معضلات شاهد شکوفایی و بازآفرینی فرهنگ و معارف الهی هستیم.

بر همین اساس بادکوبه در دوران اسلامی یکی از مراکز مهم فرهنگی منطقه بوده و جایگاه اثرگذاری در فرهنگ اسلامی داشته است. این شهر در جریان معاهد گلستان (۱۸۱۳) به تصرف روسیه تزار درآمد و بعد در دوران حاکمیت کمونیسم نیز تحت سلطه اتحاد جماهیر شوروی شد که در هر دو دوره تلاش برای اسلام‌زدایی آن صورت گرفت: مرحله اول روسی‌نمودن! و در مرحله دوم ترویج مارکسیسم.

در گذشته باکو شاهد حضور، نفوذ و فعالیت علمای اسلام و نشر معارف اسلام و در نهایت شاهد وجود حوزه‌های علمی، مدارس دینی بود. مکتب‌خانه‌ها عموماً زیر نظر... «مجمع روحانی شیعه» اداره می‌شدند. فارغ‌التحصیلان این مدارس با سایر مدارس ماوراء قفقاز مرتبط و نوعی مدیریت می‌کردند. حتی در دوران کمونیستی نیز علی‌رغم فشار و دین‌ستیزی وجود و حضور «شیخ الاسلام» به‌عنوان مدیریت روحانیت وجود داشت.

امام خمینی (ره) مواضع اصولی در برابر حاکمیت شوروی، کارنامه ناشایست ابرقدرت شرق و در نهایت مظالم و مصائبی که از سوی دولتمردان اتحاد جماهیر شوروی نسبت به ایران، ملل اسلامی، خاصه مسلمانان قفقاز و آسیای میانی داشتند و در طی سالهای ۱۳۴۱-۱۳۶۸ مکرر شوروی را مورد نقد قرار داده و بعضاً همسو با آمریکا و انگلیس و غرب می‌شمردند.

امام(ره) همواره پیرامون اتحاد جماهیر شوروی، اوضاع جهانی اسلام، مظالم غرب علیه دین و مسلمین مباحث و صحبت‌ها و پیامهای مکرر داشتند. در تحلیل امام معضل اصلی جهان غرب خاصه آمریکا بوده و شوروی یا «فرب» غرب را می‌خورد یا منفعلانه و ساده‌لوحانه در برابر آن قرار می‌گرفت. ایشان در نامه‌ای که به تاریخ ۱۳۶۷/۱۰/۱۱ به میخائیل گورباچف صدر هیئت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی می‌فرستند، وی را دعوت به اسلام و به بیان عجز و نارسایی، ناتوانی تفکر مادی و ماتریالیستی در تأمین نیازهای بشر و پیش‌بینی نیست کمونیسم می‌نمایند. اگرچه گورباچف در حقیقت متوجه محتوای پیام نمی‌گردد حتی در استی که توسط «شوارنادزه» برای حضرت امام می‌فرستد روشن می‌دهد که صدر هیئت رئیسه شوروی درک صحیحی از محتوای پیام ندارد و احتمالاً پس از فروپاشی به حقیقت واقف می‌شود. امام در این پیام به نکات حساس و زیربنای اشاره کرده می‌نویسند:

مکتب مارکسیسم در طی سالیان سال فرزندان انقلابی جهان را در حصارهای آهنین زندانی نموده و عملکرد آن «خدایایی» و «دین‌زدایی» از جامعه، که تحقیقاً بزرگ‌ترین و والاترین ضربه را بر پیکر ردم کشور شوروی وارد کرده است. امام به گورباچف تذکر می‌دهد که مواظب «غرب» و «پناه‌بردن به کانون سرمایه‌داری غرب» باشد. تکیه و هشدار امام بر آثار گورباچف این است که «مشکل اصلی کشور شما مسئله مالکیت و اقتصاد را از آن نیست» بلکه اصل معضل در اتحاد جماهیر شوروی: «عدم اعتقاد واقعی به خاستگاه امام ابتدال غرب را عدم ایمان و معنویت می‌داند که غرب را به بن‌بست کشانده است.